



عواملی
که سلامت
زنان را
به چالش
می کشد

پیامها

روزنامه سیاسی - اجتماعی استان کرمان ۸ صفحه قیمت ۱۰۰۰ تومان www.payamema.ir

فرمانده انتظامی استان
کرمان خبر داد

دستگیری
باند ۶ نفره
سرقت
مسلحانه



با جدا شدن کمیسیون بودجه و حقوقی از یکدیگر، شورای شهر کرمان ۹ کمیسیون دارد

کمیسیون بازی در شورای شهر

نشست عمومی شورای شهر کرمان یکشنبه شب در حالی به پایان رسید که اعضای شورا به جدا شدن کمیسیون بودجه و حقوقی و تشکیل کمیته ورزش رأی دادند و حالا شورای شهر کرمان ۹ کمیسیون دارد. کمیسیون‌هایی که چندی پیش تعدادشان هفت بود و در یک ماه اخیر دو کمیسیون کلان‌شهر و حقوقی به کمیسیون‌های قبلی اضافه شده‌اند.

در حالی شورای شهر کرمان ۹ کمیسیون دارد که شورای شهر دیگر کلان‌شهرها علی‌رغم داشتن اعضای بیشتر، کمتر از



عکس: پاس سیستانی/تارانیم ما

گزارشی غم انگیز از یک بنای تاریخی

تخت در گاه قلی بیگ؛ گورستان خاموش روزنامه نگاران کرمانی

سرما
در راه است

درباره کتاب
«احمد

مجدالاسلام
کرمانی روایتگر
مشروطه»

در صفحه تاریخ پیام ما بخوانید

استانداران
کرمان

از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۹۴ شمسی

پایان جنجالی هفته دوازدهم
لیگ یک ایران

تساوی‌ها،
بلای جان مس

ورزشگاه باهنر کرمان
در مسیر فروپاشی

صفحه ۳

مجتمع کامپیوتر یک.دو.سه
فروش ویژه اقساطی



تبلت	موبایل	کامپیوتر	لپ تاپ
دوربین عکاسی	لوازم جانبی	اسکوئر شارژی	کنسول بازی

فروش اقساطی بلند مدت با چک ویژه همشهریان عزیز آغاز شد

با مراجعه حضوری و ثبت نام در باشگاه مشتریان مجتمع کامپیوتر یک دوسه در

فرعه کشی ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ ریالی شرکت کنید

همچنین به ازاء هر ۱۰۰۰۰۰ تومان خرید شانس برنده شدن خود را افزایش دهید.

آدرس: کرمان خیابان شهید بهشتی حدفاصل چهارراه طهماسب آناه و میدان آزادی رویروی بانک کشاورزی مرکزی

تلفن تماس: ۰۳۴-۳۲۴۷۷۱۲۳ www.computer123.ir

منتشر شد

گلاسه تمام رنگی
هر هفته چهارشنبه‌ها

شورای سردبیری: بردیا امیر تیموری - نکیسا خدیشی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: دکتر عباس صفا
کاری از گروه رسانه‌ای پیام‌آوران کرمان

دعوت به همکاری

با ما آنلاین زندگی کنید!

شرکت دیده‌بان نت به منظور تکمیل کادر پرسنل از افراد دارای مدرک کارشناسی کامپیوتر در سراسر استان کرمان دعوت به همکاری می‌نماید

علاقه مندان می‌توانند رزومه کاری خود را به آدرس ذیل ارسال نمایند

job@didi.ir

شماره تماس برای کسب اطلاعات تکمیلی

۰۳۴-۳۶۹۰۳۱۴
۰۳۴-۳۱۲۴۳۰۰۰
داخلی - ۸۳۰

نام دیگر آب، زندگی است.

آگهی مناقصه شماره ۸/الف/۲۷-۹۵ م (نوبت اول)

شرکت آب و فاضلاب استان کرمان در نظر دارد: قرائت و توزیع، وصول مطالبات معوقه آب و فاضلاب و اپراتوری شهر کرمان و ادارات تابعه شهر کرمان را از محل اعتبارات داخلی و از طریق برگزاری مناقصه به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه شرکت‌های خدماتی که دارای مجوز از اداره کار و امور اجتماعی می‌باشند دعوت می‌شود ضمن ارائه مجوز مزبور حداکثر تا پایان وقت اداری ۹۵،۸،۲۵ جهت دریافت اسناد ارزیابی و مناقصه به دفتر قراردادهای شرکت واقع در کرمان بلوار ۲۲ بهمن مراجعه نمایند. این مناقصه در سایت شرکت مهندسی آب و فاضلاب به آدرس www.abfakerman.ir موجود می‌باشد.

ردیف	شرح کار	مبلغ برآورد (ریال)	مبلغ ضمانت شرکت در مناقصه (ریال)
۱	قرائت و توزیع، وصول مطالبات معوقه آب و فاضلاب و اپراتوری شهر کرمان	۱۳,۹۰۳,۷۵۵,۲۰۰	۶۹۵,۲۰۰,۰۰۰
۲	قرائت و توزیع، وصول مطالبات ادارات تابعه شهر کرمان	۳,۳۳۱,۶۷۱,۱۳۶	۱۶۶,۶۰۰,۰۰۰

آخرین مهلت تسلیم پیشنهاد قیمت: ساعت ۱۴ مورخ ۹۵،۹،۶
تاریخ افتتاح پاکت های الف و ب و ج شهر کرمان ساعت ۹ صبح مورخ ۹۵،۹،۷
تاریخ افتتاح پاکت های الف و ب و ج ادارات تابعه شهر کرمان ساعت ۹:۳۰ مورخ ۹۵،۹،۷
(ضمناً هزینه درج آگهی در روزنامه‌ها به عهده برنده مناقصه می‌باشد)

مدیریت روابط عمومی و آموزش همگانی

با جدا شدن کمیسیون بودجه و حقوقی از یکدیگر، شورای شهر کرمان ۹ کمیسیون دارد

کمیسیون بازی در شورای شهر

نشست عمومی شورای شهر کرمان یکشنبه شب در حالی به پایان رسید که اعضای شورا به جدا شدن کمیسیون بودجه و حقوقی و تشکیل کمیته ورزش رای دادند و حالا شورای شهر کرمان ۹ کمیسیون دارد. کمیسیون‌هایی که چندی پیش تعدادشان هفت بود و در یک ماه اخیر دو کمیسیون کلان‌شهر و حقوقی به کمیسیون‌های قبلی اضافه شده‌اند. در حالی شورای شهر کرمان ۹ کمیسیون دارد که شورای شهر دیگر کلان شهرها علی‌رغم داشتن اعضای بیشتر، کمتر از شورای شهر کرمان کمیسیون دارند.

کرمان



تعداد اعضا: ۱۵ نفر
تعداد کمیسیون‌ها: ۹

- بهداشت و محیط‌زیست
- بانوان، خانواده و مشارکت‌های مردمی
- اجتماعی، ورزش و جوانان
- فرهنگ
- خدمات شهری
- معماری و شهرسازی
- بودجه
- مباحث کلان‌شهری
- امور حقوقی



تهران



تعداد اعضا: ۳۱ نفر
تعداد کمیسیون‌ها: ۶

- برنامه‌بودجه
- سلامت و محیط‌زیست
- عمران و حمل‌ونقل
- فرهنگی اجتماعی
- معماری و شهرسازی
- نظارت و حقوقی



تبریز



تعداد اعضا: ۲۱ نفر
تعداد کمیسیون‌ها: ۸

- عمران و توسعه شهری
- سرمایه‌گذاری و مشارکت‌های عمومی
- حمل‌ونقل و ترافیک
- پیگیری مصوبات، تحقیق، نظارت و بازرسی
- برنامه‌بودجه
- خدمات شهری
- فرهنگی و امور اجتماعی
- شهرسازی و معماری



اصفهان



تعداد اعضا: ۲۱ نفر
تعداد کمیسیون‌ها: ۵

- معماری، عمران و شهرسازی
- امور اقتصادی، حقوقی و گردشگری
- حمل‌ونقل، محیط‌زیست و فناوری اطلاعات
- فرهنگی، اجتماعی و ورزشی
- بهداشت، سلامت و خدمات شهری



علی‌اکبر مشرفی در این خصوص به «پیام ما» می‌گوید: «حجم کار برخی کمیسیون‌ها بسیار بالاست و باید جدا می‌شدند.» وی در پاسخ به این سؤال که تعداد بالای کمیسیون‌ها غیرقانونی نیست، توضیح می‌دهد: «خیر. قبلاً هم کمیسیون‌ها زیاد بودند.» از رییس شورای شهر می‌پرسیم که آیا بر اساس قانون، شورای استان کرمان به‌عنوان شورای فرادست شورای شهر، در جریان تشکیل کمیسیون‌های جدید هست، پاسخ می‌دهد: «ببینید قانون گفته باید به اطلاع شورای فرادست برسد که ما به اطلاع می‌رسانیم. یعنی نیاز به جواز از آن شورا ندارد.» مشرفی همچنین در واکنش به این که «تعداد کمیسیون‌های شورای شهر کرمان از شورای شهر دیگر کلان‌شهرها بیشتر است» می‌گوید: «خیر. این‌طور نیست. خیلی شهرها بیشتر از کرمان کمیسیون دارند.»

به شورای استان اطلاع می‌دهیم

تبصره ماده ۹ آیین‌نامه داخلی شورای اسلامی شهر، ترکیب، چگونگی اداره و وظایف این کمیسیون‌ها را به تصویب شورای عالی استان‌ها منوط کرده است و بر اساس دستورالعمل شرح وظایف، ترکیب، تعداد و چگونگی اداره کمیسیون‌های شوراهای اسلامی که در جلسه مورخ ۱۰/۱۲/۸۵ شورای عالی استان‌ها به تصویب رسیده، تعداد کمیسیون‌های شوراهای اسلامی شهر مشخص شده است. در بند «و» ماده سه این دستورالعمل آمده است: «تعداد کمیسیون‌های تخصصی شوراهای کلان‌شهرها و مراکز استان‌ها دارای سه کمیسیون به شرح زیر است: ۱- کمیسیون توسعه و عمران و خدمات شهری ۲- کمیسیون برنامه، بودجه و حقوقی ۳- کمیسیون فرهنگی و اجتماعی.» در تبصره این ماده هم آمده است: «شوراهای می‌توانند بنا به‌ضرورت و متناسب با حجم برنامه‌ها و فعالیت‌های خود کمیسیون‌های موردنیاز و نیز کمیته‌های تخصصی را به‌عنوان زیرمجموعه کمیسیون‌ها تشکیل و فعال نمایند. ایجاد کمیسیون‌های جدید می‌بایست به اطلاع شورای فرادست برسد.» شورای فرادست شورای شهر کرمان، شورای استان کرمان است و باید تشکیل کمیسیون جدید به اطلاع این شورا برسد.

قانون چه می‌گوید؟

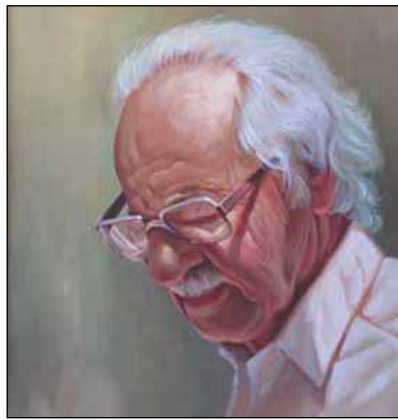
در حالی رییس شورای شهر کرمان می‌گوید تشکیل کمیسیون‌های جدید را به اطلاع شورای استان می‌رساند که رییس شورای اسلامی استان کرمان این موضوع را رد می‌کند. محمد رفیع‌آبادی در پاسخ به این پرسش «پیام ما» که آیا تشکیل کمیسیون‌های جدید در شورای شهر کرمان به اطلاع شما رسیده است، پاسخ می‌دهد: «تا الان مصوبه‌ای به دست من نرسیده است.»

بی خبری شورای استان

گردآورنده اطلاعات: رضا عبادی زاده
طراحی داده نما: صابر خدیشی

حیات چهره درخشان

سید علی اکبر صنعتی



بخش ۲۴

پرورشگاه صنعتی کرمان که به همت حاج اکبر صنعتی در سال ۱۳۹۵ تاسیس شده، بزرگانی را در دامان خود پرورده است. یکی از این بزرگان «سیدعلی اکبر صنعتی» است. سید علی اکبر صنعتی نقاش و مجسمه ساز معروف ایران است. کتاب «چهره های درخشان» نوشته حبیب یوسف زاده به روایت زندگی این هنرمند شهیر پرداخته است؛

سیدعلی اکبر صنعتی با استاد کمال الملک دیدار می کند و پس از آن به مشهد رفته و از نمایشگاه نقاشی «آلبرت هونمان» آلمانی دیدن می کند و با او طرح دوستی می ریزد...

ظاهراً مدتی را هم به گشت و گذار در میان ایلات و عشایر ایران گذرانده بود. پادشاهی خراسان و عشایر و روستاییان شما با بافته های پرنرنگ و زیبایشان، والاترین و گمنام ترین نقاشان دنیا هستند. می گفت: «شما ایرانیان قدر هنر آنان را نمی دانید. هیچ اعتنایی ندارید که بدانید در بافته های عشایری و روستایی سرزمینتان، چه هماهنگی و ذوقی در به کار بردن رنگ ها و نقش های نهفته است. خاک شما، خاک هنرمندان غریب گمنام است، خاک ذوق، خاک خلاقیت...»

سیدعلی اکبر هشت سال بود که حاجی را ندیده بود. وقتی شنید به تهران آمده است، بی درنگ به دیدنش رفت. حاجی آن قدر پیر شده بود که باور کردنش برای سیدعلی اکبر دشوار بود. وقتی او را در آغوش گرفت و صورتش را بوسید، حاجی با خوشحالی گفت: «سیدعلی اکبر! اگر در خیابان می دیدمت، تو را نمی شناختم، خدا را شکر که برای خودت مردی شده اید. خدا کند همراه رشد قد و بالایت، معرفت هم رشد کرده باشد.» روز بعد، حاجی گفت که دوست دارد مدرسه هنر را از نزدیک ببیند.

«پاد دارم، تابلویی کشیده بودم از مهمانی ساده و فقیرانه ای که یکی از همسایگان راه انداخته بود. بی بی هم در آن مهمانی حضور داشت. مرحوم حاجی این تابلو را خیلی پسندید و گفت: سیدعلی اکبر! خوب محرومیت و رنج هاشان را در حالت و چهره هاشان نشان داده ای. خیلی خوشحالم که برخلاف سایرین، دلت را خوش نکرده ای به کشیدن ماه و ستاره و آب و درخت. شیر مادرت حلال باشد! الحق که خودت مانده ای و عوض نشده ای!»

دو - سه روز بعد، حاجی به کرمان برگشت و هنوز یک سال نگذشته بود که خبر درگذشت او را آوردند. خبرش را یکی از هم ولایتی ها آورده بود. سید با شنیدن خبر، گریان و پریشان از مدرسه بیرون زد تا بی بی را هم خبر کند. ساعت ها با هم نشستند و گریه کردند و بدون معطلی همان شب به طرف کرمان راه افتادند.

«توبوس، وقت خروس خوان صبح به کرمان رسید. با بی بی یکر است رفتیم یتیم خانه. وامصیبتا که چه صبحی بود! انگاری در و دیوار یتیم خانه یک مشت محکم شد و بر سرم کوبیده شد. مرحوم حاجی را در یتیم خانه دفن کرده بودند؛ خودش وصیت کرده بود. چه طور خودم را سرقریش رساندم؟ هیچ نمی دانم. تنها یاد دارم، آن قدر سرم را بر سنگ مزار مرحوم حاجی کوبیدم و گریستم که دیگر از هوش و حواس افتادم.»

سیدعلی اکبر قولی را که به حاجی داده بود، فراموش نکرده بود و افسوس می خورد که چرا نتوانسته زودتر به یتیم خانه کرمان برگردد. وقتی سال آخر مدرسه هنر را تمام کرد و لیسانس خود را با رتبه ممتاز گرفت، بار دیگر (در سال ۱۳۱۹ ش) بار سفر بست و راه افتاد به طرف کرمان تا به قول خودش عمل کرده و به برادران یتیمش خدمت کند.

تخت درگاه قلی بیگ؛ گورستان خاموش روزنامه نگاران کرمانی

محمود دبستانی (درگاهی) مشهور به شیخ محمود امین الاسلام روزنامه نگار، مشروطه خواه و نماینده مجلس شورای ملی و برادر مجدالاسلام کرمانی بود. او سرانجام در سال ۱۳۴۴ دار فانی را وداع گفت و در تخت درگاه قلی بیگ به خاک سپرده شد.

آن چنان ارزشمند، این چنین غریب علاوه بر قبور دو مشروطه خواه و روزنامه نگار معروف، «بی بی سکینه افشار» خواهر مجدالاسلام و «عبدالحسین مجد» فرزند مجدالاسلام نیز همین جا مدفون هستند.

حال بنایی با این قدمت تاریخی و ساکنانی آن چنان ارزشمند این چنین غریب و متروک افتاده که بازدیدکنندگان در زمان حضور در این مکان احساس امنیت نمی کنند. مهمانان ناخوانده ای نیز که آداب مهمانی را نیاموخته اند نیز در و دیوار و فضای این مکان زیبا را آن چنان آلوده کرده اند که جرأت دعوت مهمانان فرهنگ دوست را نیز از شهروندان می گیرد. خلاصه این که بعد از مدت ها که به دیدن دریا قلی بیگ رفته تنها و تنها شرمندگی و خجالت و تأسف نصیب شد.

نهادها و دستگاه های اجرایی را نمی دانم که چه اندازه برای پاسداشت میراث فرهنگی مان تلاش می کنند؛ اما بر همه ماست که اندکی حساسیت به خرج دهیم. همه ما منظورم همه



خدای ارزانی/ در مجامع زعیبم آزادی/ در سیاست قرین افغانی/ فکرتی آن چنان چه کردی حل/ مشکلات فنون به آسانی/ هستی آن چنان که کردی جمع/ فقر با کبریای سلطانی/ سال ها در طریق آزادی/ جهد کرد آشکار و پنهانی ...



محمود دبستانی (درگاهی)

محمود دبستانی در سال ۱۲۵۵ در شهر کرمان به دنیا آمد. او تحصیلات ابتدایی را نزد شیخ ابوجعفر کرمانی، ملا عبدالله راینی و ناظم الاسلام کرمانی فرا گرفت. محمود دبستانی مدیر مسئول روزنامه «نامه فرهنگ کرمان» بود. همچنین وی چندین دوره سمت نمایندگی مردم کرمان در دوره های هفتم تا سیزدهم مجلس شورای ملی را بر عهده داشته است.

سرشناس علم و ادب کرمان به سال ۱۲۸۸ هـ ق در کرمان متولد شد. وی از نوادگان خاندان قلی بیگ افشار است. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه خاندان قلی بیگ کرمان رساند. صرف و نحو را نزد ناظم الاسلام کرمانی و مقدمات را در محضر شیخ ابوجعفر کرمانی به پایان برد. ملا رحمت الله کرمانی معلم منطق و اصول او بود و سطح فقه را نزد ملا عبدالله راینی گذراند. در سن بیست سالگی برای ادامه تحصیل به اصفهان رفت و از علمای بزرگ آن شهر اجازه اجتهاد گرفت. مجدالاسلام در نهضت مشروطه نقش داشت و به دلیل تلاش هایی که در جهت آزادی ایران و استقرار قانون و عدالت داشت، به کلات تبعید شد. وی پس از بازگشت از تبعید به مبارزه خود ادامه داد و مقاله هایی را در روزنامه های «محاکمات»، «کشکول»، «ندای وطن» و «الجمال» نوشت. وی به دلیل رویارویی با حکومت مستبد قاجار توسط محمدعلی شاه به زندان افتاد. «کتاب شهر خاموشان»، «تاریخ انقلاب» و «دیوان شعر مجدالاسلام» آثار مکتوب اوست.

برخی از اشعاری که روی سنگ قبر ایشان نوشته شده؛
مجد الاسلام آن ادیب بشیر/ که در ایران نبودش ثانی/ شیخ احمد حکیم روشن رای/ شاعر و فیلسوف کرمانی/ آن که در هر فنی نصاب کمال کرده بودش

«دریا قلی بیگ» است. دریا قلی بیگ از امرای اواخر دوره صفویه و رئیس ایل افشار در کرمان بوده است.

دکتر باستانی پاریزی در این مورد می نویسد: «دریا قلی بیگ در کرمان موقعیت مناسبی به دست آورد و قسمتی از سرآسیاب فرسنگی را جزو املاک خود ساخت و در جوار باغ بیرم آباد در دل کوه ساختمان زیبایی به وجود آورد و در پایین کوه نیز دریاچه ای ایجاد نمود و آب سرآسیاب فرسنگی را با مجرای که در دل سنگ کنده بود پایین دریاچه رساند. آثار دریاچه هنوز در کنار تخت باقی است.» این بنا در دوران قاجار و در زمان وکیل الملک تعمیر شده است.

بنای تخت دریاقلی بیگ آرامگاه دو روزنامه نگار معروف و تأثیرگذار کرمانی است. مجدالاسلام و امین الاسلام.



مجدالاسلام کرمانی

احمد مجدالاسلام روزنامه نگار، سیاستمدار، نویسنده، شاعر و چهره

از پله ها بالا می روم. وارد بنا می شوم. در ورودی آن بخشی از گچ ها فرو ریخته است. داخل اتاقک پر از خاکروبه دو نفر با لباس های سیاه نشسته اند. نمی دانم در آن دخمه تنگ و تاریک چه می کنند. اما می توانم حدس بزنم اگر کار درست و درمانی باشد که نیاز نیست این چشم انداز زیبای جنگل قائم و آسمان آبی و ابر سفید را رها کنی و دو نفری در دخمه ای سیاه و تاریک و پر از خاکروبه بخری ...

بیش از این نگاه نمی کنم. ترجیح می دهم به کار خودم برسم. داخل بنا که همه می گویند زیباست و همه می گویند تاریخی است و این هر دو هست. نگاهی به در و دیوار می اندازم. خطوط سیاه و زغالی می بینم. هر چه خواسته اند روی دیوار ها نوشته اند. هر چه خواسته اند و تا جایی که دست شان رسیده و توانسته اند! با زغال! شروع به خواندن برخی از جملات خجالت می کشم. حتی به کتیبه و سنگ ها هم رحم نکرده اند و تا جایی که در توان شان بوده از تخریب این مکان تاریخی دریغ نکرده اند.

این جا دقیقاً زیباترین نقطه کرمان است. خوش آب و هواترین هم هست. ورودی شهر هم هست. بنا هم تاریخی است و گردشگران را نیز صلا می زنیم که از آن سوی ایران و جهان به دیدنش بیایند. حتماً در مدرسه ها هم معلم های تاریخ دانش آموزان را تشویق می کنند تا بناهای تاریخی شهر خود را ببینند و بشناسند! لابد آن ها نیز باید بیایند و ببینند و بشناسند.

تخت دریا قلی بیگ را همه کرمانی ها دیده اند. بنایی که قرن هاست بر فراز کوه های جنوب شرقی کرمان استوار ایستاده است. این بنا مقبره



است و گردشگران را نیز صلا می زنیم که از آن سوی ایران و جهان به دیدنش بیایند. حتماً در مدرسه ها هم معلم های تاریخ دانش آموزان را تشویق می کنند تا بناهای تاریخی شهر خود را ببینند و بشناسند! لابد آن ها نیز باید بیایند و ببینند و بشناسند.

تخت دریا قلی بیگ را همه کرمانی ها دیده اند. بنایی که قرن هاست بر فراز کوه های جنوب شرقی کرمان استوار ایستاده است. این بنا مقبره



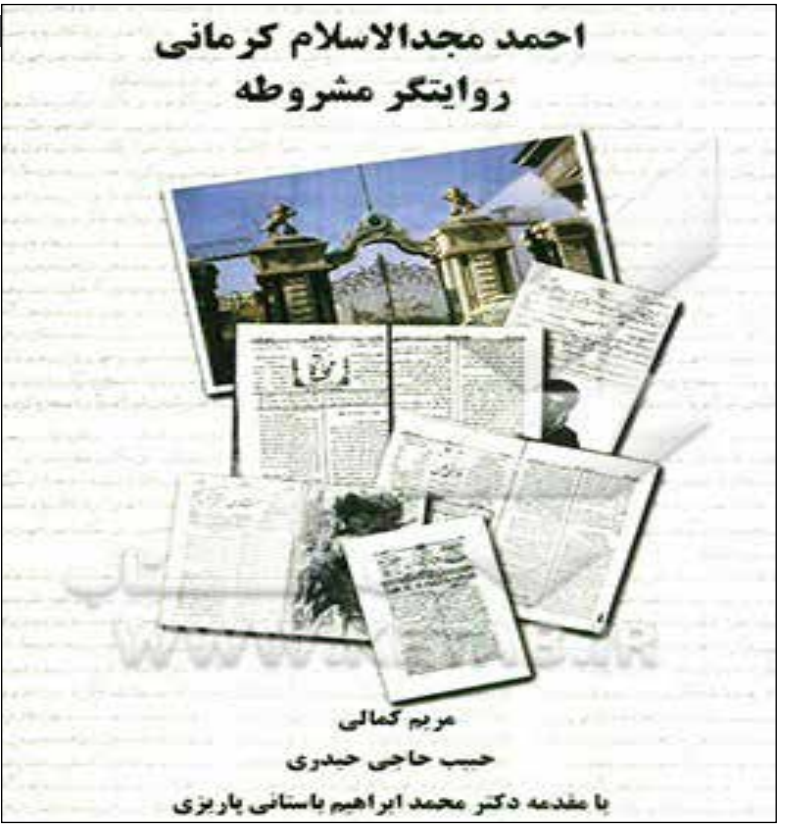
ما مطبوعاتی هاست. همه ما روزنامه نگاران که وقت خود را خرج نوشتن می کنیم. همه ما هر روز و هر هفته و هر ماه کاغذهای سفید را روسیاه می کنیم. بر همه ماست که نسبت به دو روزنامه نگاری که فخر کرمان به شمار می آیند اندکی لطف داشته باشیم. اندکی پی گیر باشیم و اندکی... * این بنا هم «تخت دریا قلی بیگ» و هم «تخت درگاه قلی بیگ» نامیده می شود.

درباره کتاب «احمد مجدالاسلام کرمانی روایتگر مشروطه»

روزنامه محاکمات یا فریاد عدالت روزنامه الجمال بخش چهارم: از تبعید به کرمان تا مرگ روزنامه دارالامان منظومه شهرخاموشان با اوضاع عدلیه سابق تمام این کتاب تنها تلاشی است برای معرفی اجمالی شخصیتی که اوراق زندگی خود را با نگارش آثار ارزشمند و چالش برانگیز خواندنی کرده است. نخستین چاپ کتاب «احمد مجدالاسلام کرمانی» روایتگر مشروطه» اثر مریم کمالی و حبیب حاجی حیدری با مقدمه محمدابراهیم باستانی پاریزی را نشر علم با شمارگان ۱۱۰۰ نسخه، ۲۰۴ صفحه روانه بازار کتاب کرده است.

نوآوری ها و تازگی ها است می دهد از اینرو توجه ویژه به آزادی و استبداد ستیزی، عدالت خواهی و مسئولیت پذیری در جای جای آثار او به چشم می خورد. عناوین اصلی این کتاب عبارتند از: بخش اول: نگاهی به بستر فکری و اجتماعی رشد و نمو مجدالاسلام کرمانی بخش دوم: مجدالاسلام کرمانی از ورود به تهران تا صدور فرمان مشروطیت بخش سوم: مجد الاسلام کرمانی از صدور فرمان مشروطیت تا پایان دوران استبداد صغیر مجدالاسلام کرمانی روزنامه نگاری از تبار مشروطه حب الوطن من الایمان در روزنامه ندای وطن و نشر علم با شمارگان ۱۱۰۰ نسخه، ۲۰۴ صفحه روانه بازار کتاب کرده است.

کتاب «احمد مجدالاسلام کرمانی روایتگر مشروطه» به کوشش مریم کمالی و حبیب حاجی حیدری و با مقدمه دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی منتشر شد. «احمد مجدالاسلام کرمانی روایتگر مشروطه» عنوان کتابی است که در آن به ابعاد اندیشه و چگونگی زندگی فردی می پردازد که در آثار خود نظیر روزنامه ندای وطن، ادب، کشکول، محاکمات و دارالامان و نیز کتابهایی چون سفرنامه کلات و تاریخ انحطاط مجلس، فصلی از تاریخ مشروطیت ایران ضمن معرفی بارقه های عصر جدید، ارزش و جایگاه آنان را در پهنه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی معنا می کند. او اهمیت زیادی به مشروطیت به عنوان مهمترین دستاورد دنیای جدید که خود بستر



استانداران کرمان

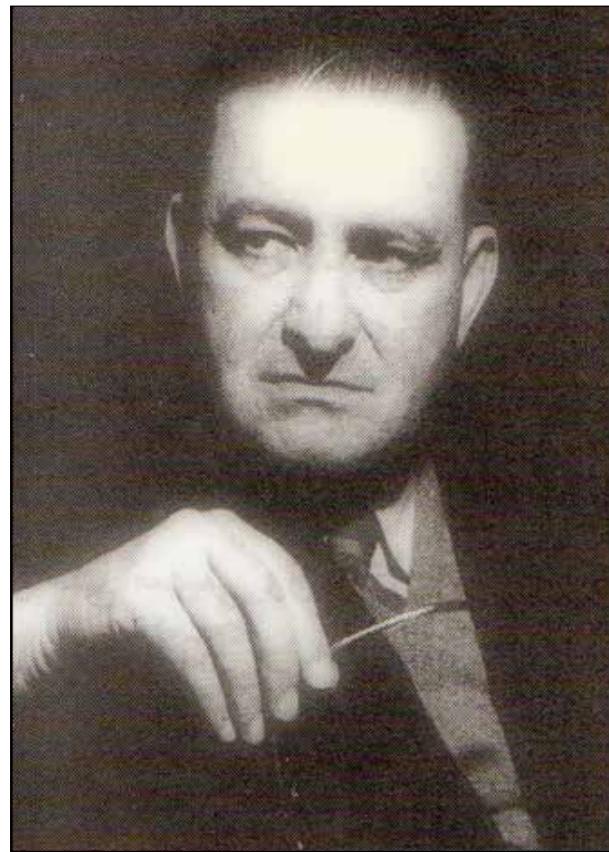
از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۹۴ شمسی

برگرفته از کتاب رهگذار عمر/خاطرات و فعالیت های محمد صنعتی

علی سهیلی ۱۳۱۷ شمسی

«علی سهیلی در ۱۲۷۴ ش. در خانواده‌ی متوسط در آذربایجان به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی و متوسطه را در تبریز و تهران انجام داد تا این که وارد مدرسه روسی قزاق خانه شد. با استعدادی که از خود نشان داد در مدرسه علوم سیاسی پذیرفته شد، ضمناً مقدمات عربی و ادبیات فارسی و زبان‌های فرانسه و روسی را نیز به خوبی آموخت و از آنجا به خدمت وزارت خارجه درآمد. هوش، پشتکار و زبان‌دانی سهیلی باعث شد که در وزارتخانه مورد توجه قرار بگیرد.

با وجود این که از یک خانواده‌ی عادی بود، مراحل اداری را طی و در سال ۱۳۰۴ ش. به ریاست اداره شرق و امور شوروی و در ۱۳۱۰ به کمک و مساعدت داور و تیمورتاش به معاونت وزارت طرق و شوارع (راه) انتخاب شد. مقامات بعدی سهیلی؛ ریاست شیلات، معاونت وزارت امور خارجه و وزارت مختار ایران در لندن و در سال ۱۳۱۷ برای نخستین بار در کابینه جم به وزارت امور خارجه برگزیده شد. هنوز بیش از دو ماه از خدمت او در وزارت خارجه نگذشته بود که به علت یک خبط سیاسی از کار برکنار شد. در سال ۱۳۱۸ استاندار کرمان و بعد سفیر کبیر در افغانستان و بالاخره در ۱۳۱۹ در کابینه علی منصور به سمت وزیر کشور معرفی گردید. بعد از وقایع شهریور ۱۳۲۰ فروغی که به مقام



نخست‌وزیری انتخاب شده بود او را مجدداً به سمت وزارت امور خارجه منصوب کرد. وی در سال ۱۳۲۱ ش. به توصیه فروغی - که معتقد بود مهم‌ترین مسئله حال کشور، سیاست خارجی است و سهیلی جوان که تجربه لازم برای حل این مشکل را دارد، بهترین گزینه نخست‌وزیری است - به نخست‌وزیری رسید. اما کابینه او بیش از پنج ماه دوام نیاورد و قوام به این سمت منصوب گردید. قوام کهنه کار نیز نتوانست دوام بیاورد و بار دیگر قرعه نخست‌وزیری به نام سهیلی رقم خورد. در تابستان ۱۳۲۲ که روزولت، استالین و چرچیل در تهران ملاقات داشتند و کنفرانس معروف تهران تشکیل گردید، از این موقعیت استفاده نمود و به سران متفقین پیشنهاد داد به میمنت موفقیت کنفرانس تهران و به جبران صدماتی که ایران در راه پیروزی متفقین متحمل شده است، استقلال و تمامیت ارضی ایران

را تضمین نمایند. وی سپس در کابینه حکیم‌الملک با سمت وزیر مشاور مجدداً داخل کابینه و پس از مدت کوتاهی سفیر کبیر ایران در فرانسه شد.

در اواخر سال ۱۳۳۲ با عنوان سفیر کبیر روانه‌ی لندن گردید و تا سال ۱۳۳۷ در آن کشور اقامت داشت تا این که بر اثر ابتلا به بیماری سرطان خون در لندن در سن ۶۲ سالگی درگذشت. جنازه‌اش به تهران انتقال یافت و در ایوان مقبره‌ی ناصرالدین شاه و در کنار هژیر به خاک سپرده شد.

سهیلی مردی دانشمند و زبان‌دان بود؛ زبان‌های فرانسه، انگلیسی و روسی را به خوبی می‌دانست. از میان توده مردم برخاست و به مقامات بزرگ رسید ... نسبت خیانت و دزدی به او داده نشده است. وقتی فوت شد چیز قابل ملاحظه‌ای نداشت ... روی هم رفته سهیلی از چهره‌های معروف این کشور محسوب می‌شود. مردی فهمیده، باهوش و مطلع بود. نسبت سوءاستفاده به وی تا کنون داده نشده است ... (۱).

در مورد استانداری علی سهیلی در کرمان آمده است: «در تاریخ اردیبهشت سال ۲۴۹۷ (۱۳۱۷ ش.) به استانداری استان ۸ کرمان منصوب و در همین ماه به کرمان وارد گشت ... در زمان او خیابان زریسف امتداد یافت و مسطح گردید. نقشه چند خیابان از جمله ناصریه و خیابان شاه و خیابان فابریک (۲) به وزارت کشور ارسال شد تا رسیدگی و اجازه صادر گردد ...

در زمان این استاندار دستور رسید تا کلاه پهلوی را مردان از سر برداشته، کلاه شاپو دوره‌دار به جای آن سر گذارند (۳). از دسته‌بندی و علم و حجله که در ایام محرم مرسوم بود از سال ۲۴۹۴ (۱۳۱۴ ش.) قذغی گردیده بود ... در سال ۲۴۹۷ (۱۳۱۷ ش.) مردم به جای سینه‌زنی و دسته‌بندی به دامنه مسجد صاحب‌الزمان می‌رفتند و ایام سوگواری را بدون کوچک‌ترین مرسومات سابق به شب می‌آوردند و به شهر مراجعت می‌کردند. واعظین حق نداشتند منبر بروند و روضه بخوانند؛ می‌بایست در ادله فرهنگ آزمایش شوند تا چنانچه قابلیت و در امتحان قبول می‌شدند می‌توانستند عبا و عمامه داشته در مساجد روضه بخوانند. در سال ۲۴۹۷ (۱۳۱۷ ش.) در شهر کرمان فقط سه واعظ جواز روضه‌خوانی داشتند و این آقایان عبارت بودند از: آقای حاج شیخ عباس موحدی (۴)، آقای حاج سید یوسف (۵)، آقای حاج سید یوسف (۶)، واعظین که جواز نداشتند روزها از خانه بیرون نمی‌آمدند و شب در بعضی جاها مجالس روضه‌خوانی داشتند، مخفیانه می‌رفتند، چنانچه مأمورین آن‌ها را می‌دیدند به

شهریانی جلب می‌کردند (۷). در زمان استانداری سهیلی، قند و شکر کمیاب شد و علت آن بود از خارج اجازه نبود قند و شکر وارد سازند و می‌بایست قند و شکر که در کارخانجات ایران تولید می‌شود، مصرف شود، از این رو تکافو نمی‌کرد. در زمان سهیلی قند یک من عبارت از سه کیلو ۹ ریال، شکر ۸ ریال، همچنین پارچه‌های خارجی قذغی بود و می‌بایست پارچه وطنی مصرف شود ... (۸).

پی نوشت‌ها:

- (۱) - عاقلی، باقر؛ شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، ج ۲، ص ۸۲۸ تا ۸۴۱.
- (۲) - خیابان ناصریه؛ شهید باهنر فعلی - خیابان شاه نعمت الله ولی و خیابان فابریک؛ میرزا رضا کرمانی فعلی.
- (۳) - یکی از طرح‌های رضا شاه، طرح متحدالشکل نمودن البسه مردان بود که در سال ۱۳۰۷ ش. اجرا گردید و

گذاشتن کلاه پهلوی از این زمان اجباری گردید و چند سال بعد در ادامه الگوگیری از فرهنگ غرب و سوق دادن مردم ایران به مظاهر اروپایی‌ها، گذاشتن کلاه پهلوی نیز ممنوع گردید و مردان موظف به گذاشتن کلاه شاپو دوره‌دار مانند اروپایی‌ها شدند.

(۴) - منظور مرحوم حجت‌الاسلام حاج شیخ عباس موحدی کرمانی، پدر اخوان موحدی کرمانی (مرحوم حجت‌الاسلام حاج شیخ محمدحسین موحدی، مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد مهدی موحدی و آیت الله حاج شیخ محمدعلی موحدی) است.

(۵) - منظور مرحوم محمد مجد نویی.

(۶) - منظور مرحوم حاج سید یوسف سجادی، پدر مرحوم سید باقر سجادی است.

(۷) - مجوز لباس روحانیون و علما از دیگر طرح‌های رضاشاه بود که با مخالفین آن به شدت برخورد می‌گردید. بر اساس این طرح تنها افرادی می‌توانستند از لباس روحانیون استفاده نمایند که مجوز مربوطه را دریافت نمایند. در همین رابطه گفته شده است که با بسیاری از روحانیون به شدت برخورد می‌شده است. از جمله برای حجت‌الاسلام نیشابوری (مدیر سابق حوزه‌های علمیه کرمان) نقل می‌نمود در آن ایام که به شدت با روحانیون برخورد می‌شد، روزی به اتفاق مرحوم آیت الله صالحی کرمانی خدمت آیت الله حاج میرزا محمدرضا مجتهد رسیدیم و آیت الله صالحی به ایشان عرض کرد؛ آقا در نزدیکی منزل ما کلاتری وجود دارد و رییس کلاتری هر روز در هنگام رفت و آمد به منزل موجبات ناراحتی مرا فراهم می‌آورد و با تمسخر و تهدید به پوشیدن لباس روحانی من اعتراض می‌کند. آیت الله کرمانی پس از شنیدن این سخن ناراحت شد و روز بعد در پی صحبت با رییس شهریاری کرمان، موجبات انتقال آن مأمور از کرمان را فراهم آورد. یا در خصوص مزاحمت رییس شهریاری وقت به مرحوم حجت‌الاسلام سید حسین خوشرو آمده که وی به دلیل نداشتن مجوز لباس روحانیت دستور می‌دهد عبا و

مرحوم خوشرو را با قیچی کوتاه نمایند و همان روز پس از بروز ناگهانی بیماری فرزندش، از اشتباه و جسارت خود به این سید متوجه شده و از او عذرخواهی می‌نماید. (۸) - همت، محمود؛ کرمان؛ شهر شش دروازه، ص ۱۲۵ و ۱۲۶.

محمد مهدی شاهرخ ۱۳۲۰-۱۳۱۸ شمسی

محمد مهدی شاهرخ؛ «استاندار، قاضی عالی رتبه، در ۱۲۷۸ ش. تولد یافت. مدرسه عالی علوم سیاسی را پایان داد و وارد خدمت قضایی شد و مرحله‌ای از ترقی را در آن وزارتخانه پیمود. چندی دادستان تبریز و مدتی دادستان استان اصفهان و زمانی ریاست دادگستری خوزستان با او بود.

در سال ۱۳۱۸ ش. فرماندار کل کرمان شد و تا شهریور ۱۳۲۰ آنجا بود. به هنگام خروج رضاشاه از کشور که چند روزی در کرمان بسر برد، شاهرخ با او بود. در ۱۳۲۴ ش. مجدداً به استانداری کرمان منصوب گردید، بعد استاندار خوزستان شد. بعد از طرف مجلس شورای ملی به مستشاری دیوان محاسبات انتخاب گردید و بعد به مقام دادستانی دیوان محاسبات رسید و چندی هم ریاست دیوان محاسبات با او بود.

در سال ۱۳۳۵ ش. گلشائیان وزیر دادگستری که اختیاراتی برای اصلاح دادگستری گرفت، شاهرخ را به ریاست دادگاه انتظامی قضات تعیین کرد ولی پس از یک هفته به علت منع قانونی، حکم وی لغو گردید.

شاهرخ بعد از بازنشستگی، کتابی به نام حقایق در دو مجلد انتشار داد. در آن کتاب، او دادگستری و سازمان‌های اداری را به شدت مورد انتقاد قرار داده است. شاهرخ در سال ۱۳۲۸ ش. مدیرکل بازرسی وزارت دارایی بود. در آن سمت به عضویت تصفیه ادارات تعیین گردید. این هیئت کارمندان دولت را به سه دسته تقسیم می‌نمود که می‌توان به: مفید، بی‌خاصیت و مضر تقسیم کرد. علیه هیئت تصفیه جنجال برخاست، شاهرخ هم مانند سایرین در مظان اتهاماتی قرار گرفت» (۱).

در مورد استانداری محمد مهدی شاهرخ در کرمان آمده است:

«در اواخر تیر ماه ۲۴۹۸ (۱۳۱۸ ش.) به استانداری کرمان منصوب گشت و به این شهر وارد گشت. در زمان این استاندار جنگ بین الملل دوم بیشتر ممالک اروپا را در بر گرفته بود، به همین واسطه مردم ایران هم در بیم و اضطراب بسر می‌بردند ... خلاصه اثر شوم این جنگ کم‌کم در شهرهای ایران از جمله کرمان پیدا شد؛ ارزاق گران و نایاب شد. نان که خوراک عمومی است به زحمت پخته می‌شد. دکاکین خیازی آشوب و پس از نیم ساعت معطلی یکی دو نان می‌دادند. قند و شکر و چای کمیاب و پیدا نمی‌شد. در انبارهای بازرگانان آنچه قند و شکر موجود بود، خریداری و مردم ذخیره می‌نمودند (۲).

در این مقطع زمانی مهندسین آلمانی در بیشتر کارخانجات بودند. در کرمان مهندسی آلمانی بود که در کارخانه خورشید همه کاره بود. این آلمانی بیشتر اوقات مست مست بود و موقعی که عرق کم خورده، هوش و حواسش تقریباً سر جاش بود، می‌گفت: هیلتلر پیشوای آلمانی کرمانی است؛ ژرمان یعنی همان کرمان. خلاصه به نفع دولت خود تبلیغ می‌نمود و کرمانی‌های ساده دل حرف‌های این مهندس را باور آورده بودند، هر کجا آلمان شکست می‌داد و پیش می‌رفت، خوشحال می‌شدند و هر کجا هم شکست می‌خورد، غمناک می‌گشتند. این مهندس نامش «ریشتدر» بود ...» (۳).

پی نوشت‌ها:

(۱) - عاقلی، باقر؛ شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، ج ۲، ص ۸۵۹.

(۲) - این سال‌ها مقرران با سال‌های قحطی و مشکلات شدید مردم ناشی از جنگ جهانی دوم بود، آقای محمد صنعتی در خاطرات خود از این دوران و وضعیت و مشکلات مردم کرمان (در کتاب رهگذار عمر) آورده است:

«... در زمان کودکی خود، که هم زمان با جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط متفقین بود، شاهد صحنه‌ها و وقایع زیادی بودم که به رغم کمی سن و سال، بسیاری از رنج و مشکلات مردم و خانواده خود را به وضوح لمس می‌کردم. مثلاً به خوبی یاد دارم، از منزل ما به بعد بیابان بود و چون کشتارگاه کرمان در خیابان جهاد فعلی (کوچه معروف به کشتارگاه) قرار داشت، در آن دوران هر روز تعداد زیادی زن و مرد و بچه، با کاسه و قند‌هایی به دست به طرف کشتارگاه می‌رفتند و موقع بازگشت، تعداد اندکی شادمان از این موفقیت بودند که توانستند مقداری خون از ذبح گوسفندان به دست آورند، تا با مخلوط نمودن مقداری پیاز سرخ کرده در خون و گرم نمودن آن، غذایی تهیه و خانواده خود را از گرسنگی نجات دهند. «اب دادغو» غذای اکثریت خانواده‌های کرمان بود؛ مقداری روغن - و در اکثر موارد ته‌کای چربی گوسفند - با پیاز، نمک و زردچوبه در آب ریخته و پس از مدتی حرارت دادن، به عنوان غذا می‌خورند. در برخی موارد مقداری «پونبه» به این آب اضافه می‌کردند که در این صورت به آن «قاتق پونبه» می‌گفتند. خانواده‌هایی که دارای گوسفند و یا گاو بودند، از وضعیت بهتری برخوردار بودند، چرا که می‌توانستند از شیر آن، انواع لبنیات را به دست آورند. خرید گوشت مانند اکنون نبود، یاد دارم در محله ما قصابی بود که هر هفته زن او به واسطه آشنایی با اهالی محله، به درب منازل مراجعه و مقدار گوشت مورد نیاز هفتگی آنان را می‌رسانید، که معمولاً توان مالی اکثر خانواده‌ها جهت خرید گوشت در حد «۱۵ سنگ» و یا «۷ ترم» بود. در آن دوران، روزهای متعددی - چون دیگر خانواده‌های کرمانی - غذای خانواده ما شامل تنها مقدار کمی نان کوبنی بود و مجبور به امساک در خوردن آن بودیم. حتی یک روز به جای نان، خرما خوردیم؛ بعدها دانستم آن روز نان در شهر وجود نداشت و به تمامی مردم به جای نان، خرما داده بودند.

وضعیت کرمان در آن روزگار بسیار آشفته و نا بهنجار بود و اکثریت مردم کهدارای شغل کشاورزی و کارگری بودند از حداقل زندگی بهره‌ای نداشتند؛ این امر در سال‌های وقوع جنگ جهانی دوم مضاعف شده بود و به رغم آن که نانوایان در کرمان توسط مسئولین تأسیس شده بود اما باز مشکلات زیادی در میان بود ...» نیک‌پور، مجید؛ رهگذار عمر (خاطرات و فعالیت‌های محمد صنعتی)، ص ۳۷ و ۳۸.

(۳) - همت، محمود؛ کرمان؛ شهر شش دروازه، ص ۱۲۶ و ۱۲۷.

ناظم‌الاطبا

دکتر میرزا علی‌اکبر خان نفیسی مشهور و ملقب به ناظم‌الاطباء کرمانی (تولد ۱۷ ربیع‌الثانی ۱۲۶۳ هجری قمری در کرمان، درگذشت ۲۶ ذی‌قعدة ۱۳۴۲ هجری قمری برابر با ۸ تیر ماه سال ۱۳۰۳ خورشیدی در تهران) پزشک، ادیب و دانشمند ایرانی و برجسته‌ترین پزشکان ایرانی اواخر عهد قاجار محسوب می‌شود و پزشک مخصوص دربار مظفرالدین شاه و مؤثر در امضای فرمان مشروطیت بوده‌است.

وی در تأسیس چند مریضخانه به سبک اروپاییی در تهران و مشهد و... نقش اصلی داشته و از بنیان‌گذاران نخستین مجلس حفظالصحة در تاریخ ایران به شمار می‌آید. تألیفات پزشکی وی متعدد بوده و در زمینه‌های غیرپزشکی نیز شاخص‌ترین اثر او فرهنگ لغت بزرگ و چهارجلدی است که با عنوان فرهنگ ناظم‌الاطبا مشهور است. پدرش میرزا حسن طبیب کرمانی بود که مانند نیاکانش به طبابت اشتغال داشت. نیاکان او، اعضای خاندان نفیسی‌های کرمان از چند قرن قبل در این شهر به علم طب اشتغال داشته‌اند و نسب آنها به حکیم برهان‌الدین نفیس بن عوض بن حکیم کرمانی از معروف‌ترین پزشکان قرن نهم هجری و پزشک دربار الگ بیگ بن شاهرخ بن تیمور گورکانی می‌رسیده‌است.

وی تحصیلات مقدماتی خود را در کرمان به پایان رسانید و مقدمات علوم و فنون طب را نزد پدر و سایر اطبای آن دوران فرا گرفت، اما به خاطر ذوق و استعداد فطری که در وجود او بود، بیشتر مایل به فرا گرفتن حکمت الهی و فلسفه بود. حاکم وقت کرمان یعنی محمداسماعیل خان وکیل‌الملک معروف به وکیل‌الملک اول چون استعداد و لیاقت شخصی و خانوادگی «میرزا علی‌اکبر خان نفیسی» را برای فرا گرفتن علم طبابت می‌دانست، او را برای آموختن این علم ترغیب نمود.

در ۱۲۸۲ ه. ق. در نوزده سالگی به تهران آمد و با جدیت تمام در دارالفنون به تحصیل علم طب پرداخت و چنان استعداد و علاقه‌ای در این کار از خود نشان داد که پس از اندک زمانی به دستیاری و معاونت استادان خود برگزیده شد و در سال ۱۲۸۵ ه. ق. ضمن تحصیل در دارالفنون برای طبابت در فوج مهندسی قشون انتخاب گردید.

در سال ۱۲۸۸ ه. ق؛ که قحطی و امراض گوناگون شهر تهران را فرا گرفت، دکتر علی‌اکبر خان نفیسی برای درمان بیماران خدمات و مجاهدات بسیاری کرد و مدت چهارماه در بیمارستان دولتی طهران مشغول خدمت به فقرا و نیازمندان بود. وی در سال ۱۲۸۹ ه. ق. از طب فارغ‌التحصیل گردید. در سال ۱۲۹۰ ه. ق. ناصرالدین شاه قاجار پس از بازگشت از سفر اول خود به اروپا در صدد برآمد که بیمارستانی به سبک اروپاییی در تهران تأسیس کند و برای این کار «میرزا علی‌اکبر خان نفیسی» را انتخاب نمود. وی تا سال ۱۲۹۸ ه. ق. مسئولیت این بیمارستان را که به مریضخانه دولتی شهرت یافت بر عهده داشت و به همین دلیل لقب حکیم‌پاشی گرفت.

ضمناً وی در سال ۱۲۹۳ ه. ق. در تشکیل نخستین مجلس حفظالصحة که در تهران تشکیل شده بود، ایفای نقش کرد.

در سال ۱۲۹۸ ه. ق. وی به عنوان طبیب مخصوص به همراهی حاج میرزااحسین خان مشیرالدوله معروف به سپهسالار که به حکومت خراسان و تولید آستان قدس رضوی برگزیده شده بود، به مشهد رفت و پس از تشریف به آستان مبارک رضوی، حسب دستور «سپهسالار» بیمارستان رضوی را که رو به ویرانی می‌رفت با اصول و اسلوب بیمارستانهای اروپایی بازسازی و تأسیس نمود، به طوری که به پاس خدماتش در این سفر و مأموریت به دریافت نشان و حمایل سرتیپی نایل آمد.

در سال ۱۳۱۵ ه. ق. میرزا علی‌اکبر خان نفیسی ناظم‌الاطبا مدرسه شرف را پایه‌گذاری کرد و تا سال ۱۳۲۳ ه. ق. نه تنها بدون دریافت پاداش مالی آن را به شیوه اروپایی اداره می‌نمود بلکه بیشتر مخارج آن را شخصاً پرداخت می‌کرد.

وی گذشته از آن که مدت پنجاه و هفت سال تمام، شب و روز به فنّ خود یعنی مداوای بیماران اشتغال داشته و حتی این وظیفه را تا پایان عمر خویش که علیل و ناتوان شده بود، ادامه داده‌است، هرگاه که فراغتی حاصل می‌کرد در فن خویش یا فنون دیگر به تألیف و ترجمه (از زبان فرانسوی) نیز می‌پرداخت.

«کرمان نو» خواب ندارد! WWW.KERMANENO.IR

kermane_no

kermane_no

kermane_no

kermane_no

kermaneno

پایگاه خبری کرمان نو

با سردبیری: نکیسا خدیشتی

کرمان نو

اولین پایگاه خبری استان
با آژانس اختصاصی عکس

یادداشت

حاشیه های انتشار عکس عباس جدیدی در کنار زنده یاد منصور پورحیدری ادامه دارد

از ماست که بر ماست

آریا صالحی - تقصیر ماست که او امروز نماینده مان است، یکی از سی نفری که امنای گرداننده شهر تهرانند. او مسئول بازرسی شورا است و حالا هر بار از او رفتاری خرق عادت می بینیم، انگشت به دهان می مانیم و می گوئیم: ای وای او برآینده حضور ما پای صندوق یا اصلا نرفتن های مان پای صندوق رای است. عباس جدیدی یا حالا دیگر دکتر عباس جدیدی؛ اگر ۴ سال است بر صندلی شورا تکیه زده به دلیل انتخاب ماست، خیلی از ما که وقت رای دادن احتمالا با خودمان گفتیم: «این همه آدم سیاسی مگر چه کار کردن که این قهرمان ورزشی نکند.» و البته خیلی های دیگری که اصلا پای صندوق رای نرفتند! اینکه با ۲۰۰ هزار رای می شد برای اداره شهر تصمیم ساز شد، وقتی می خواستیم رای بدهیم، قرار نبود به همه سال های خوب یا بد دوران ورزشی یکی مثل عباس جدیدی، از مدال طلای پس گرفته شده اش در تورنتو ۹۴ تا نایب قهرمانی نوستالژی اش در المپیک ۹۶ آتلانتا یا خاطرات بازی های آسیایی بانکوک و بعد هم وداع با کشتی در بازی های جهانی برای مان خاطره بگویند.

قرار نبود از آن فیتیله پیچ های معروف و شورت آبی که از دونه اش معمولا بیرون می افتاد برای مان خاطره بسازد که می خواست مدیر اجرایی و تصمیم ساز برای شهرمان باشد. ما اما با رای دادن یا ندادن مان، او، رضازاده و دیگر ورزشی های شوروی شهر را انتخاب کردیم و حالا باید بپذیریم آنها انتخاب خودمان هستند. خوب یا بد، ما این ردا را بر تن شان کرده ایم. روزی که کمربند پهلوانی به کمرش بست، مدال هایش را دور گردن انداخت و بی آنکه مدال طلای جهان و المپیک بزرگسالان داشته باشد، خود را قهرمان سه دوره مسابقات قهرمانی جهان و المپیک خواند، لیکندی زدیم و گفتیم چه بازه و نگفتیم، برادر من اهلپلوان، این راه و رسم در دید بودن نیست، این طوری به یاد مردم برگشتن، درست نیست و گذاشتیم فکر کند و فکر کنند در مسیر صحیح گام بر می دارند. حالا که ۴ سال بعد است، دوباره او همان مسیری را رفته که قبلا خودمان یادش دادیم و با لیکندی بدرقه اش کردیم. حالا اما تازه یادمان افتاده که هجمه کنیم که چرا برای تجدید محبوبیت کنار یکی مثل تتلو می ایستی؟ چرا در بدترین شرایط جسمی مرحوم پورحیدری کنارش ایستادی و عکس گرفتی و عکست اینگونه دلخراش همه جا پر شده است. چرا به او می تازیم که کتاب آداب و اصول نماز نوشته است! او نوشته چون ما به جای استفاده از توانش در کشتی و ورزش، به این سو سوقش داده ایم و مدام هم با خنده و شوخی گفتیم چه ایرادی دارد. حالا اما یکبار به خود آمدیم و می گوئیم وایلا!



در برنامه ی ۹۰ این هفته گزارشی از روند ساخت ورزشگاه های بزرگ فوتبال کشور در سال های گذشته پخش شد و مشخص شد که این پروژه ها تا چه اندازه علی رغم هزینه های چند ده میلیاردی خود، کم بازدهی بوده اند. اتفاقا یکی از این ورزشگاه هایی نیز که صورت کپی و پیست در کشور ساخته شد و به دلیل کمبود بودجه های لازم برای نگهداری با مشکل روبرو شده است، ورزشگاه ۱۵

ورزشگاه باهنر کرمان در مسیر فروپاشی

باهنر آنقدر کم می شود که عملا این ورزشگاه به سرنوشت ورزشگاه های مشابهش در سراسر کشور مبتلا شود و آن نابودی کامل است آن هم در حالی که عمر استفاده از آن به ۱۵ سال هم نرسیده است. در حال حاضر در کنار همه مشکلات این ورزشگاه، اصلی ترین معضل استادیوم باهنر، چمن آن است که منجر به ترس همه برای بازی بروی آن می شود. این چمن در کمترین کیفیت خود قرار دارد تا جایی که کادر فنی و بازیکنان مس بارها تقاضای جابه جایی بازی های مس از این ورزشگاه را داده اند.

میهنمان خود بروی سکوها نداشته باشد. صندلی های این ورزشگاه بعد از گذشت دو سال از اتفاقات بازی با استقلال خوزستان هنوز تعمیر و جایگزین نشده اند و به نظر نمی رسد که به دلیل کمبود اعتبارات، فعلا عزمی هم برای این کار در بین مسئولین نگهداری این ورزشگاه وجود داشته باشد. چمن این استادیوم نیز هر سال دچار مشکل می شود تا مشخص گردد این استادیوم عملا به حال خود رها شده است و آنگونه که نیاز دارد مورد توجه و نگهداری واقع نمی شود تا عمر فرسودگی این ورزشگاه خیلی زودتر از موعد به سراغش بیاید.

البته هزینه های تعریف شده برای نگهداری و تجهیز مجدد این ورزشگاه آنقدر ناچیز است و آنقدر مشکلات جدی برسر بهسازی و نگهداری این ورزشگاه وجود دارد، که شاید همین الان، مشکل چمن در الویت چندم این ورزشگاه قرار داشته باشد! همین سبب می شود که همه در کرمان نگران سرنوشت این ورزشگاه با استادیوم های مشابه و چند قلویش در کشور شوند.

شانس بودند که با صعود مس به لیگ قهرمانان، خیلی زود این ورزشگاه به اجبار مورد بازسازی قرار گرفت تا همانند ورزشگاه های مشابه خود در کشور که در گزارش برنامه ی نود مشخص شد تا چه اندازه فرسوده شده اند، وضعیت به مراتب بهتری پیدا کرد. اما با گذشت زمان بیشتری از عمر این ورزشگاه و سقوط مس به لیگ یک که منجر به توجهات کمتر به این ورزشگاه شد، حالا رفته رفته استادیوم شهید باهنر کرمان نیز دقیقا جا پای سایر ورزشگاه های فرسوده مشابه خود می گذارد و وضعیت این استادیوم سال به سال بغرنج تر می شود.

ورزشگاه تازه ساز باهنر با عمر تقریبی ۱۰ سال، متاسفانه امروز نه بروی سکوها شمالی یک ورزشگاه استاندارد را دارد و نه بروی چمن آن صورت نمی گیرد و با فرا رسیدن فصل سرما، وضعیت آن به مراتب بدتر هم خواهد شد. مسلم است با انتقال بازی های مس به ورزشگاه خانگی خود که شاید سال دیگر این اتفاق بی افتد، توجهات به ورزشگاه خاطره انگیز از

پایان جنجالی هفته دوازدهم لیگ یک ایران تساوی ها، بلای جان مس

هفته دوازدهم لیگ دسته یک ایران عصر دیروز و با انجام ۳ بازی موقه به پایان رسید. در بازی های این هفته شاگردان ابراهیم زاده در مس کرمان که به اراک رفته بود، در مقابل تیم المینیوم این شهر به

تیم	بازیها	امتیاز
۱ سپیدرود رشت	12	25
۲ ملوان	12	24
۳ اکسین البرز	12	23
۴ گل گهرسیرجان	12	22
۵ خونه به خونه	12	22
۶ نساجی مازندران	12	19
۷ پارس جنوبی	12	19
۸ مس کرمان	12	17
۹ المینیوم اراک	12	17
۱۰ راه آهن	12	17
۱۱ بادران تهران	12	16
۱۲ خیبر خرم آباد	12	13
۱۳ نفت م. سلیمان	12	12
۱۴ مس رفسنجان	12	11
۱۵ ایران جوان بوشهر	12	11
۱۶ فولاد یزد	12	9
۱۷ فجر سپاسی	12	4
۱۸ استقلال اهواز	12	4



نیمه تمام ماند و اکنون باید منتظر رای کمیته انضباطی بود. هفته سیزدهم لیگ دسته اول از روز جمعه ۲۱ آبان ماه آغاز می شود و دیدار دو تیم بالانشین گل گهر سیرجان و خونه به خونه از مهمترین و سرنوشت سازترین دیدارهای لیگ دسته اول خواهد بود، همچنین مس یک شبه هفته آینده و در دیداری بسیار حساس در ورزشگاه شهید باهنر کرمان، به مصاف صدرنشین لیگ آزادگان، سپیدرود رشت خواهد رفت.

در بازی دیگر هفته دوازدهم، دو تیم خونه به خونه بابل و اکسین البرز در بازی حساس و جنجالی که دو اخراجی برای خونه به خونه هم داشت، به مصاف هم رفتند و این تیم میهمان بود که با دو گل به برتری رسید و شاگردان فیروز کریمی ۳ امتیاز شیرین بابل را ترک کند. داور این بازی در دقیقه ۹۰ + ۴ و دو دقیقه قبل از پایان وقت قانونی بازی به دلیل پرتاب سنگ به سمت کمک داور بازی را قطع کرد و این دیدار

متمول و مدعی بادران تهران را با یک گل شکست دهد و با ۲۵ امتیاز به صدر جدول رده بندی تکیه بزنند، در پایان این بازی هم بازیکنان دو تیم به شدت با یکدیگر درگیر شدند که با دخالت نیرو انتظامی این غائله به پایان رسید. ضمن اینکه به دلیل کسب نتایج ضعیف و دور از انتظار هفته های اخیر تیم فوتبال بادران از سوی مدیر عامل باشگاه بادران ۱۰ درصد از قراردادهای کلیه بازیکنان و کادر فنی تیم به عنوان جریمه کسر شد.

منتشر شد

۸ صفحه گلاسه رنگی هر دو هفته شنبه ها

شورای سیاستگذاری: بردیا امیر تیموری - نکیسا خدیشی سردبیر: رضا عبادی زاده

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: آنتیا امیر تیموری

کاری از گروه رسانه ای پیام آوران کرمان

کیفیت ما اعتبار را تضمین می کند

دور چین

با دور چین زندگی را خوشمزه کنید

کلیه سفارشات پذیرفته می شود کلیه غذاها با برندج ایرانی سرو می شود همراه با پیک

بلوار امام حسن (ع) (طاهرآباد) دور میدان ۰۹۱۳۸۷۰۵۵۵۲۶ مراد زاده ۰۹۳۷۸۵۴۵۲۴۱ سلطانی تلفن: ۳۲۱۱۲۸۶۷

